



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

تحلیل و بررسی دانش آموزان دیر آموز

مهدی اشرفی^۱، امیرسجاد طاهری^۲

۱- دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی سمنان

۲- دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی سمنان

چکیده

میزان بهره هوشی افراد دیر آموز حداقل یک انحراف معیار پایین تر از میانگین هوش افراد جامعه است، اگرچه افرادی که در محدوده هوشی ۷۰ - ۸۵ قرار گرفته اند، به عنوان افراد عادی و فاقد عقب ماندگی ذهنی در نظر گرفته شده اند، ولی همین وضعیت هوشی در کودکان و دانش آموزان مدارس ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستانی ها می تواند موجبات افت تحصیل را به دنبال داشته باشد (سیف نراقی و فریقی، ۱۳۸۹). مقاله حاضر به بررسی تعریف دانش آموزان دیرآموز، ویژگی ها و چالش های این کودکان و همچنین ویژگی های شناختی و عاطفی آنها، نارسایی ها و مشکلاتشان و همچنین شیوه های تدریس برای کمک به این دانش آموزان و روش های کمک به آنها و راهکار های تربیتی مناسبشان و همچنین به راهبرد های آموزشی برای معلمان دانش آموزان دیر آموز میپردازد.

واژگان کلیدی: دانش آموزان دیرآموز، وضعیت شناختی و عاطفی، دیرآموزی، شیوه تدریس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

فلسفه وجودی نظام آموزشی و رسمی همگانی ضمن توجه داشتن به تفاوتها، محدودیتها و محرومیتها، فراهم کردن فرصت آموزشی برابر برای تمامی کودکان است به طوری که در رابطه تعاملی دانش آموز و معلم هیچ یک از طرفین تعامل در معرض فشار واقع نگردند آن چه که میتواند موجبات فراهم نمودن توازن در این رابطه دو سویه را ایجاد نماید، بهره گیری از نظام آموزش فراگیر است (سیف نراقی و فریقی، ۱۳۸۹). بر اساس جدول طبقه بندی هوش و کسلر، هوش به طبقات خیلی سرآمد، سرآمد، بهنجار یا متوسط بالا، بهنجار یا متوسط، بهنجار یا متوسط پایین، مرزی، عقب مانده ذهنی یا نقص عقلی به ترتیب با دامنه هوش ششماهه ۱۳۰، ۱۲۹-۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۰، ۱۰۹ - ۹۰، ۷۰-۷۹، ۸۹-۶۹ و پایین تر تقسیم شده است. (گری گراث، مارنات، ۱۳۷۸) که در نمودار «توزیع نرمال افراد بر اساس بهره هوشی افراد دیر آموز با محدوده هوشی ۷۰-۸۵ با حداقل یک انحراف معیار پایین تر از میانگین، ۶۶/۱۳ از جامعه را به خود اختصاص داده است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۹). بر اساس نامگذاری انجمن نقص ذهنی آمریکا (۱۹۵۹) و اصلاح این تعریف در سال ۱۹۷۳ این گروه به عنوان افراد عادی و فاقد عقب ماندگی ذهنی در نظر گرفته شده اند. به تعبیری بهره هوش دیرآموزان در محدوده طبیعی است اما از نظر عملکرد تحصیلی با محدودیتهایی مواجه هستند و به اصطلاح دیرآموز هستند، بنابراین دانش آموزان دیرآموز عقب ماندگی ذهنی ندارند و در آزمون هوشی استاندارد در محدوده طبیعی عمل میکنند و مشکل عمده آنها در موفقیت تحصیلی است (تات، هوسپیان، ۱۳۷۹). در طی دوره تحصیل به دیرآموزان توجه کافی نمی شود آنها اغلب در امتحانات شکست خورده و در نهایت ترک تحصیل میکنند (کریشنا، کومار گیتا و پالات، ۲۰۰۶) کم آموزی دانش آموزان دیرآموز مشکلی مزمن محسوب می شود و برای سالهای متمادی در دوران تحصیل قابل مشاهده خواهد بود و (تاسینگ و مزلان، ۲۰۰۷) اما جالب اینجاست که مطالعات نشان میدهد مشکلات تحصیلی به سایر تواناییها و شایستگیهای آنها وابسته نیست (باری و وایس، ۱۹۹۶). نتایج پژوهشهای نگارنده از سال ۸۳ تا کنون بیانگر وجود مشکلات آموزشی و رفتاری متعدد در دانش آموزان دیرآموز تمامی دوره های تحصیلی به ویژه دوره ابتدایی و راهنمایی در مدارس عادی است که در اغلب موارد منجر به ترک تحصیل آنان از سیستم آموزشی میگردد. والدین و معلمان از رهاشدگی فرزندان و دانش آموزان خود، که نه تنها در یادگیری محتوای آموزشی موفقیتی کسب نکرده اند، بلکه به شدت تحقیر شده و اعتماد به نفس خود را نیز از دست داده و قادر به برقراری ارتباط سازش یافته با اطرافیان خود نیز نیستند، سخت نگرانند و مشاوران و مددکاران اجتماعی و کارشناسان اقتصاد و ... از آینده تیره این گروه و در نهایت کل جامعه خبر می دهند. این کمبودها و ضعفها به قدری چشمگیر است که گاهی افراد دیرآموز خود را در جامعه پست و اضافی تلقی میکنند (سیف نراقی و فریقی، ۱۳۸۹).

تعریف دانش آموز دیرآموز

دیر آموز اصطلاحی است که برای اطلاق به کودکی با مشکلات یادگیری به کار می رود و منظور یادگیرنده ای است که مطالب را کندتر یا آهسته تر از متوسط همسالان طبیعی خود فرامی گیرد چنین کودکی دارای قوای هوشی طبیعی است که به هر دلیلی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مطالب را کندتر از آنچه متناسب سن او است یاد می‌گیرد (عباسی، ۱۳۹۹). این گروه از کودکان دارای هیچ گونه علامت جسمی یا ظاهری مشخصی نیستند و به جز در امور تحصیلی و فعالیت‌های پیچیده ذهنی که ممکن است با شکست مواجه شوند در سایر امور زندگی می‌توانند مستقل عمل کرده و موفق شوند. اغلب محققان و متخصصان بر این اعتقادند که اگر چه افراد دیرآموز ممکن است نیازهای آموزشی ویژه داشته باشند با این حال برای جاییابی در سیستم آموزشی ویژه مناسب نیستند و باید در مدارس عادی آموزش ببینند (عباسی، ۱۳۹۹). برنامه ریزی برای آموزش این دانش آموزان مستلزم دقت و تلاش فراوان است. برنامه‌های تدوین شده برای آموزش و توانبخشی این کودکان باید متناسب با نیازهای همه جانبه آنها باشد و در این راه باید حداکثر مشارکت دانش آموزان و خانواده‌های آنها را فراهم کرد. آموزش فردی شده، کار تیمی، و افزایش مهارت‌های اجتماعی در این کودکان می‌بایست مورد تأکید قرار گرفته و ارزیابی مستمر و پویا از عملکرد دانش آموزان و برنامه‌های اجرا شده، صورت گیرد (عباسی، ۱۳۹۹). کودکان دیرآموز نسبت به افراد عادی مقدار کمی از لحاظ رشد ذهنی پایین هستند این گروه نسبت به گروه‌های عقب مانده ذهنی از نظر ذهنی بالاتر می‌باشند و بیشترین افراد گروه عقب مانده را در بر می‌گیرند. آنان از لحاظ جسمی حرکتی عاطفی و اجتماعی شکل خاصی ندارند ولی از نظر درسی ضعیف می‌باشند. با توجه به اینکه کودکان دیرآموز از لحاظ ذهنی رشد کمتری نسبت به افراد دیگر دارند آنان میتوانند با حمایت و راهنمایی و مشاوره خدمات مناسب در مدرسه عادی مشغول تحصیل شوند یکی از ویژگی مهم آنان زود فراموش کردن است که با تمرین و تکرار زیاد می‌تواند آنها را آموزش داد (عباسی، ۱۳۹۹) (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).

ویژگی‌ها و چالش‌های کودکان دیرآموز

اغلب دیرآموزان از نظر ظاهر جسمانی تفاوتی با دیگر همسالان ندارند و تا زمانی که وارد تحصیلات دبستانی یا پیش‌دبستانی نشده‌اند، دیرآموز بودن آنها برای والدین شان محرز و آشکار نمی‌شود؛ اما در موارد کمتری مشاهده شده است که از نظر رشد استخوانی، رشد حرکتی، هماهنگی ماهیچه‌ها، رشد کلامی، درآمدن دندان‌ها با تأخیر و دیرتر از همسالانشان اتفاق می‌افتد. دانش آموزان دیرآموز نمی‌توانند مطالب پیچیده را یاد بگیرند. آنها معمولاً مضطرب هستند، عزت نفس پایین و مهارت‌های توجهی ضعیفی دارند. در انتقال آموخته‌ها به شرایط عمل یا موقعیت‌های عملی زندگی روزمره مشکل دارند، این دانش آموزان در حال حاضر زندگی می‌کنند یعنی آینده نگر نیستند و اهداف بلند مدتی ندارند. دانش آموزان دیرآموز نمی‌توانند پا به پای دانش آموزان عادی پیشرفت کنند و قادر نیستند همه‌ی چیزهایی را که از دانش آموزان عادی انتظار می‌رود یاد بگیرند. در حقیقت، دانش آموزان دیرآموز در مدتی که در مدرسه هستند بر محتوای دروس تسلط پیدا نمی‌کنند (غفوریان و عاشوری، ۱۳۹۶).

دانش آموزان دیرآموز نمی‌توانند در حد پیشرفت‌هایی به تحصیل بپردازند، حتی اگر هر گونه راهنمایی و تسهیلات آموزشی در اختیار آن‌ها قرار گیرد. دانش آموزان دیرآموز، حافظه ضعیفی دارند. دامنه توجه شان کوتاه است و نمی‌توانند در مدت زمانی طولانی بر یک موضوع تمرکز کنند (غفوریان و عاشوری، ۱۳۹۶). یکی از مسائل مهم در عرصه تعلیم و تربیت کودکان دیرآموز، چگونگی ادامه تحصیل آن‌ها است. که تعداد زیادی از کودکان سنین مدرسه را تشکیل می‌دهند (افروز، ۱۳۸۳) (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ویژگیهای شناختی دانش آموزان دیرآموز

در درک مفاهیم یادگیری مطالب، کندتر از متوسط شاگردان کلاس هستند.

در تشخیص روابط پیچیده ضعیف اند.

از درک مفاهیم انتزاعی عاجزند.

برای یادگیری مطالب درسی به تمرین بیشتری نیاز دارند.

دامنه معلومات عمومی آنان نسبت به همسالان خود محدودتر است.

نسبت به همسالان خود خزانه لغات محدودتری دارند و از دستور زبان ساده ای که ویژه دانش آموزان کوچک تراست استفاده می کنند.

در خواندن و فهمیدن کتاب های درسی با مشکل مواجهه اند.

در انجام تکالیف درسی معمولاً دو تا سه سال از همسالان خود عقب ترند (افشار، ۱۳۹۳).



ویژگی های نگرشی و عاطفی کودکان دیر آموز

نگرش کودکان دیر آموز به مدرسه و تحصیل معمولاً منفی است تعداد غیبت‌های آنان بیشتر است و در بسیاری از موارد از سوی معلم و همکلاسان خود طرد می شوند. این نگرش منفی نسبت به کودکان دیرآموز در کلاسهای سوم تا پنجم بیشتر است شاید به این دلیل که آنها مشکلات سازگاری بیشتری دارند گاهی این دانش آموزان تعارضهای اجتماعی خود را به شکل پرخاشگری نشان می دهند چرا که در هنگام مواجهه با بحرانهای بین فردی و شخصی ساز و کارهای ناکارآمدی برای مقابله در پیش می گیرند دیرآموزان انگیزه تحصیلی بالایی ندارند و همین امر موجب درماندگی و ناامیدی و پایین آمدن عزت نفس آنها در مدرسه است. تجربه شکست مکرر در کلاس، فقدان هدف برای آینده نگرش منفی همکلاسان و روش های نادرست، آموزش رشد انگیزه تحصیلی این کودکان را به شدت کاهش می دهد این کودکان از مشکلات رفتاری خود آگاه نیستند و نمی توانند عواطف خود را به طور مناسب ابراز کنند (هوسپیان و تات^۱، ۱۳۸۶) (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).

نارسایی ها و مشکلات دانش آموزان دیر آموز

دانش آموزان دیرآموز به طور معمول با برخی از نارساییها و مشکلات زیر روبرو هستند:

مشکل توجه و تمرکز

عدم توانایی تعمیم یک آموخته جدید به موارد و موقعیتهای مشابه

مشکلات گفتار و زبان

بیماری جسمانی تب شدید، تشنج و سوء تغذیه

مشکلات حرکتی

عدم اعتماد به نفس و احساس عدم ارزشمندی

فقدان انگیزه پیشرفت

نگرش منفی نسبت به خود

عدم اکتساب مهارتهای اجتماعی

عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران



احساس ناامنی روانی و آشفتگی عاطفی

هراس از مدرسه و ترسهای دیگر

ناهنجاریهای رفتاری و عاطفی

خانواده فقیر کم درآمد و کم سواد

عدم همکاری خانه و مدرسه

عدم اکتساب آمادگی های لازم (پولووی و اسمیت^۲، ۱۹۹۹).

شیوه های تدریس برای کمک به دانش آموزان دیرآموز

از روشهای مختلفی برای تدریس به دانش آموزان دیرآموز استفاده میشود که دو روش مهم آن عبارت اند از:

تدریس جبرانی: این روش یک رویکرد آموزشی است که معلم، محتوای درس را قبل از این که ضعف ها یا نارسایی های اساسی در دانش آموز بروز کند، اصلاح یا تغییر میدهد. در تدریس جبرانی، محتوای درس به طور مجدد سازماندهی میشود، از تغییرات و اصلاحات استفاده میشود (به عنوان مثال، استفاده از تصاویر به جای عبارات) و بر استفاده از منابع و فعالیتهای یادگیری تکمیلی تاکید میشود (به عنوان مثال، تغییر مکان یادگیری و شبیه سازی آموزش، بحث های گروهی و یادگیری مشارکتی). این روش تدریس شامل تغییر تکنیک های آموزشی از جمله استفاده از نشانگرهای دیداری در محتوا از طریق ابزارهای انعطاف پذیر آموزشی (فیلمها، تصاویر و توضیحات) یا تغییر شکل در آموزش (آموزش محتوای بر اساس سرعت یادگیری هر فرد، شبیه سازی محتوا و کتابهای کار تجربه محور) میشود.

تدریس اصلاحی: این روش، یک رویکرد جایگزین برای معلم کلاس عادی به منظور آموزش دانش آموزان دیرآموز است. تدریس اصلاحی یعنی استفاده از فعالیت ها، تکنیک ها و شیوه هایی برای حذف ضعف های رایج دانش آموزان دیرآموز از جمله نارسایی در مهارت های اساسی ریاضی یا حذف آن ها از طریق آموزش مجدد محتوایی که قبلا یاد نگرفته است. در این روش تدریس، محیط آموزشی تغییر نمیکند بلکه از تکنیک های آموزشی رایج از جمله تفکر و تمرین استفاده میشود (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).

^۲ Pollovey & Smith



روش های کمک به کودکان دیر آموز

- ۱- خانواده ها به طور موثر با معلم همکاری کرده و معلم از این همکاری استقبال کند.
- ۲- این کودکان در کلاسهایی قرار بگیرند که دارای دانش آموزان کمتری باشد.
- ۳- معلم به آموزش انفرادی بپردازد و به تدریج کودک را درگیر فعالیتهای گروهی و تدریس جمعی نماید.
- ۴- پیشرفت این کودکان به صورت هفتگی ثبت و در صورت نیاز از وجود یک مشاور کمک گرفته شود.
- ۵- فعالیتهای یادگیری به صورت گام به گام و از ساده به مشکل و با حجم کمتری انجام شود.
- ۶- تدریس با تکرار بیشتری همراه باشد و از بیان لفظی خود دانش آموز استفاده شود.
- ۷- در مورد پاسخهای درست و نادرست باز خورد فوری و همراه با توجه، تحسین تشویق و البته در صورت لزوم از تنبیه خفیف استفاده شود.
- ۸- به کودکان کمک شود که هرچه زودتر به مرحله عملیات عینی برسند.
- ۹- بر روی پیشرفت توجه و رشد مهارتهای کلامی کودکان کار شود.
- ۱۰- مهارت آموزی مورد توجه قرار بگیرد. از آنجایی که تقریباً ۱۳٪ دانش آموزان مدارس عادی دیرآموز هستند، رسیدن به اهداف فوق نیازمند آن است که یک دوره آموزشی برای معلمان دوره ابتدایی در نظر گرفته شود و یک کمیته تخصصی بر عملکرد مدارس نظارت داشته باشد.
- ۱۱- اگر کودکان دیرآموز در همان کلاسهای اول و دوم آموزش مناسب ببینند و درگیر فعالیتهایی شوند که به طور نظام دار جذب سیستم ادراکی آنها شود و مهارت کلامی آنها را رشد دهد، هم نمرات کلاسی و هم رشد هوشی آنها پیشرفت میکند و به حد دانش آموزان عادی می رسد (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).

راهکارهای تربیتی برای کودکان دیر آموز

- ۱- از زدن برجسب هایی نظیر تنبل - مرزی - کودن - و ... پرهیز کنیم.
- ۲- از اعمال فشار - تهدید - سر و صدا - تنبیه و ... پرهیز کنید.
- ۳- از هر گونه مقایسه او با دیگر همسالان پرهیز شود.



۴- استعدادهایش را شناسایی و شکوفا کنید.

۵- آموزش مهارت های شخصی و اساسی زندگی در رأس برنامه های آموزشی آنها قرار بگیرد (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).

راهبردهای آموزشی برای معلمان دانش آموز دیرآموز

با توجه به محدودیت‌هایی که دانش‌آموزان دیرآموز در یادگیری از خود نشان می‌دهند منطقی است که باید متناسب با نیازهای آموزشی آنها و برای برطرف کردن موانع تحصیلی تدابیری را اتخاذ کرده و اجرا کنیم.

تصمیم‌گیری در مورد برنامه درسی:

به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود (البته با محدودیت) تا نظرات و پیشنهادات خود را در مورد فعالیت‌های مربوط به برنامه درسی روزانه ارائه دهند.

کوتاه کردن تکالیف:

در این راهبرد، تکلیف موردنظر به چند بخش کوتاه‌تر تقسیم شده و به جای اینکه یک تکلیف تماما به دانش‌آموز ارائه شود، آن را به چند قسمت کوتاه‌تر تقسیم کرده و هر بار از دانش‌آموز خواست تا یک بخش از آن را تکمیل کند. مثل حفظ کردن شعر به این صورت که هر روز ۲ بیت را حفظ کند. ارائه حجم زیاد تکلیف در یک زمان می‌تواند اثر منفی بگذارد، زیرا دانش‌آموز احساس تهدید کرده و نسبت به توانایی‌های خود احساس عدم اطمینان می‌کند. تکلیف کوتاه می‌تواند حواس پرتی، خستگی و رفتارهای نامناسب را به حداقل برساند.

اصلاحاتی در ارائه مفاهیم انتزاعی:

در چنین راهبردی می‌توان مفاهیم انتزاعی را بر اساس توضیحات، نمایش‌ها و مثال‌های عینی ارائه داد. در چنین کاری استفاده از تجربیات ملموس دانش‌آموز نقش مهمی در دریافت راحت‌تر مفاهیم انتزاعی دارد. برای مثال وقتی واژه تفریق در ریاضی مطرح می‌شود ابتدا لازم است تا دانش‌آموز به مفهومی عینی از این واژه دست یابد سپس در قالب تجربیات روزمره آشنا شود و در نهایت این مفهوم را برای اطلاق به عملیات خاص در ریاضی به کار برد.

تدریس خصوصی توسط همسالان:

در این راهبرد دانش‌آموزانی که توانایی‌های بالاتری در انجام تکالیف شان دارند به دیگران کمک می‌کنند تا تکالیف مدرسه و یا سایر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مسئولیت‌ها را انجام دهند (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲).



نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین نشان داده است که مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان دیر آموز ثانویه است. افراد دیر آموز معمولاً دارای هیچ گونه علامت جسمی یا ظاهری مشخصی نیستند و بجز در امور تحصیلی و فعالیتهای پیچیده ذهنی که ممکن است با شکست مواجه شوند، در سایر امور زندگی می توانند مستقل عمل کنند و موفق باشند؛ اما اگر محدودیت آنان در تحصیل و فعالیت های پیچیده ذهنی توسط اطرافیان درک نشود، معمولاً بر اثر فشارها و توقعات بیش از حد دچار بیماریهای روانی میشوند و به جای مفید بودن و اداره یک زندگی مستقل، در بیمارستانهای روانی بستری می شوند. دیرآموزان نیاز دارند برای کسب موفقیت سطوحی از کمکهای اضافی دریافت کنند، در غیر آن صورت باید شاهد اعتیاد به دارو و الکل، شکست در ازدواج، بیکاری و ... آنها بود. لذا، این گونه دانش آموزان را نباید عقب مانده ذهنی نامید؛ زیرا آنان فقط برای ساعاتی از روز که آن را در مدرسه می گذرانند، نسبت به همسالان خود از نظر درسی عقب تر هستند و در سایر ابعاد زندگی مانند دیگران عمل می کنند (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۱ به نقل از مالیک، ۲۰۰۹) (سیف نراقی و فریقی، ۱۳۸۹). کار با دانش آموز دیرآموز بایستی استمرار داشته باشد و منحصر به زمان خاصی نباشد. دانش آموز علی رغم شکستهایش در امور تحصیلی در خانواده خویش نباید مورد تحقیر و بی احترامی قرار گیرد. کودک علاوه بر مهارتهای آموزشی به کسب مهارتهای اجتماعی نیازمند است. خانواده های کودکان دیر آموز باید به صورت حضوری یا مکاتبه ای با معلم مدرسه در ارتباط مستمر باشند (طاهری و اشرفی، ۱۴۰۲). علاوه بر اینان با توجه به اثر بخشی استفاده از روش های تدریس فعال بر یادگیری دانش آموزان علی الخصوص دانش آموزان دیر آموز، به معلمان عزیز پیشنهاد میگردد که در تدریس خود از روش هایی که دانش آموزان در امر یادگیری دخالت بیشتری دارند استفاده گردد تا بر میزان توجه آنان در امر یادگیری افزوده گردد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۳). مقدمه ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- هوسپیان، آلیس و تات، محمد رضا (۱۳۸۶). آموزش و پرورش تلفیقی دانش آموزان دیرآموز. تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- تات، محمد رضا و هوسپیان، آلیس (۱۳۷۹). آموزش و پرورش تلفیقی دانش آموزان دیرآموز. تهران: انتشارات پژوهشکده کودکان استثنایی.
- گراث، گ. و مارنات (۱۳۷۸). راهنمای سنجش روانی. جلد دوم ترجمه: پاشا شریفی، ح. و نیکخو، م. تهران: رشد و سخن.
- عباسی، مریم (۱۳۹۹). مروری بر مفهوم، علل و ویژگی های دانش آموزان دیرآموز. اولین همایش ملی روان شناسی بالینی کودک و نوجوان.
- غفوریان، محسن و عاشوری، محمد (۱۳۹۶). دانش آموزان دیرآموز: ارزیابی پویا، ویژگی ها، شناسایی، شیوه های تدریس و بهبود ظرفیت یادگیری. تعلیم و تربیت استثنایی سال هفدهم مهر و آبان ۱۳۹۶ شماره ۴ (پیاپی ۱۴۷).
- افشار، فرامرز (۱۳۹۳). گام های پیشرفت برای کودکان دیرآموز. انتشارات دانژه.
- سیف نراقی، م. و نادری، ع. (۱۳۸۱). روان شناسی کودکان عقب مانده ذهنی و روشهای آموزش آنها. تهران: سمت.
- طاهری، امیرسجاد و اشرفی، مهدی (۱۴۰۲). بررسی دانش آموزان دیرآموز و دانش آموزان بیش فعال. گلستان: انتشارات نوروزی.
- سیف نراقی، مریم، و فریقی، سهیلا. (۱۳۸۹). تک بررسی وضعیت تحصیلی و عاطفی دانش آموز دیرآموز. تحقیقات روانشناختی، ۲(۷)، ۹۱-۱۰۳.

Malik, S. (۲۰۰۹). Effect of Intervention Training on Mental Abilities of Slow Learners. Int J Edu Sci, ۱(۱): ۶۱-۶۴

Krishnakumar, P. Geeta, M.G. and Palat, R. (۲۰۰۶). Effectiveness of individualized education program of slow learners. Indian Journal of pediatrics, volume ۷۳-(feb)

Barry J, Wise BJ. (۱۹۹۶). Fueling inclusion through technology. Sch Admin.; ۵۳(Apr):۲۴- ۲۷.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Pillowed, Edward. A., & smith, David. (۱۹۹۹). Current status of the mild mental retardation construct: Identification, placement, and programs.